

# بررسی عوامل موثر بر احساس محرومیت نسبی

## ( مطالعه موردی شهرک شهید بهشتی مشهد )

حمید رضا کوه بنانی

کارشناس ارشد GIS و دانشجوی دکتری بیابانزدایی دانشگاه سمنان

رویا تیموریان

کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی

هادی نیرآبادی

کارشناس ارشد GIS، معاون شهرسازی و معماری شهرداری نیشابور

محمدرضا یزدانی

عضو هیات علمی دانشگاه سمنان و ریاست دانشکده گردشگری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۰

### چکیده

تحقیق حاضر با هدف سنجش بررسی تاثیر حاشیه نشینی بر احساس محرومیت نسبی در شهرک شهید بهشتی مشهد میباشد. این پروژه با روش توصیفی از نوع پیمایش و با استفاده از پرسشنامه انجام شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم افزار spss و Amos انجام شده است و با استفاده از آزمونهای مربوط دو تحلیل و استنباط آماری انجام گرفته است. از مطالب ارائه شده در این پروژه که به منظور تحلیل علت تاثیر حاشیه نشینی بر محرومیت نسبی انجام گرفته است میتوان نتیجه گرفت علی رغم اینکه کلیه عوامل اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، کالبدی عملکردی و امنیتی به طوری هماهنگ و ترکیبی بر محرومیت نسبی تاثیر گذار است، و ارتباط معناداری بین محرومیت نسبی و احساس محرومیت نسبی ساکنان محله شهید بهشتی و مولفه های استخراجی از پرسش نامه وجود دارد. همچنین مولفه های فوق تاثیر مستقیم بر محرومیت محله و احساس محرومیت نسبی ساکنان آن دارد.

واژگان کلیدی: حاشیه نشینی، محرومیت نسبی، شهرک شهید بهشتی

## مقدمه

در کشورهای در حال توسعه حاشیه نشینی به اطراف کلان شهرها و شهرها اطلاق می شود، حال آن که در کشورهای توسعه یافته حاشیه نشینی اصولاً در مراکز شهری اتفاق می افتد و از الگوهای خاص پیروی می کند این الگوها، همچنان که پیتر هاگت<sup>۱</sup> خاطر نشان کرده است، از نظر فضایی با جهان سوم متفاوت و به صورت پدیده‌ی گتو<sup>۲</sup> است. گتوها که معمولاً از اقلیت‌های مذهبی، قومی و یا زبانی تشکیل شده‌اند، وجوه تشابه زیادی با حاشیه نشینان دارند، که مهمترین آنها جذب نشدن در متن شهرهاست .

به طور کلی در کشور با چند مدل حاشیه نشینی مواجه هستیم که شامل حاشیه نشینی در بخش های مرفه نشین و حاشیه نشینی در بخش های فقیر نشین، حاشیه نشینی حاصل از سرریز جمعیت روستایی متمرکز شده در حواشی شهر در استان های نظیر تهران و نیز حاشیه نشینی غیرطبیعی حاصل از حوادث مثل زلزله در بم و حاصل از دوران جنگ تحمیلی مثل خوزستان است. از این رو جنگ از عوامل ایجاد حاشیه نشینی غیرطبیعی برشمرده می شود و از طرفی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از جمله وقایع مهمی است که تاثیرات غیرقابل انکاری را هم در جامعه ایران، هم در منطقه و هم در جهان برجای گذاشت این جنگ باعث مهاجرت بخش قابل توجهی از جمعیت استان های خوزستان، کرمانشاه و ایلام به مناطق دیگر کشور گردید و بیشترین بخش مهاجران از استان خوزستان و به ویژه شهرهای خرمشهر و آبادان بودند. علی رغم بازگشت تعداد زیادی از مهاجران جنگی به محل سکونت قبل از جنگ خود، هنوز تعداد قابل توجهی از مهاجران جنگی خوزستان در شهرهای محل مهاجرت خود باقی مانده اند و احتمالاً قصد دارند برای همیشه در آن شهرها سکونت کنند.

## پیشینه پژوهش

منصوری (۱۳۸۹)، در پایان نامه خود با عنوان "تحلیل ویژگی های اجتماعی و اقتصادی کیفیت سکونتگاهی حاشیه نشینان در راستای توانمندسازی" به فاجعه کمی حاشیه نشینی در شهر مشهد اشاره کرده است وی بیان داشته که حاشیه شهر مشهد طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیتی در حدود ۸۲۰ هزار نفر را در خود جای داده است که در حال حاضر این جمعیت از جمعیت ۲۰ مرکز استان و جمعیت ۴ استان کشور

<sup>۱</sup>-Peter Haggett

<sup>۲</sup>-Ghetto

بیش تر می باشد. شهر مشهد به دلیل وسعت و جاذبه های مذهبی و رفاهی دچار این چنین معضلی شده است. نقدی (۱۳۸۹)، در مقاله خود با عنوان "مهاجرت و حاشیه نشینی در ایران" ظهور و پیدایش حاشیه نشینی را هم در ایران و هم در جهان همزاد و همراه پدیده مهاجرت و تاحدی پیامد آن دانسته است. یکی از عمده ترین علل پیدایش حاشیه ها در اغلب کشورها رشد شتابان شهری بوده که این خود نیز معلول مهاجرت افسار گسیخته است دلایل اساسی تر حاشیه نشینی در ساختار اقتصاد سیاسی و الگوی برنامه ریزی کشورهاست که منجر به برهم خوردن تعادل و ایجاد نابرابری فضایی می شود. افراخته و آقایی زاده (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان "مهاجرت روستایی در ایران و استیلای عوامل رکودی در انزلی" علت مهاجرت را از نظریه لی زمانی دانسته اند که عوامل دافعه در یک مکان بیش تر از عوامل جاذبه اش بوده و در حقیقت دافعه مکان اول آن قدر زیاد بوده که فرد تصمیم به مهاجرت گرفته است. امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان "بررسی رابطه میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان" عدم مشارکت سیاسی و منشا ناهنجاری های سیاسی و اجتماعی را احساس محرومیت نسبی در افراد دانسته، و مهمترین علت پیدایش احساس محرومیت را در یک جامعه نابرابری های موجود در آن جامعه بیان کرده و مقایسه های اجتماعی و احساس محرومیت نسبی را به سه دسته اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دسته بندی کرده است. درزی کلایی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان "حرکت های انقلابی در بحرین و نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر" عدم توجه به خواسته های مردم از سوی دولت هارا به عنوان عامل اساسی در برانگیختن مردم و محرومیت را عاملی از خشم و اعتراض عمومی دانسته است ادریسی و حاتم وند (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان "بررسی تاثیرگذاری اشتغال بر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار" احساس محرومیت نسبی را عاملی در کاهش کیفیت زندگی حساب آورده اند که در پی آن احساس نشاط و رضایت از زندگی از بین می رود و از شاخص های رفاهی، ایجاد محرومیت نسبی را مورد بررسی قرار داده و آن ها را مهم ترین عامل کاهش و رضایت زندگی دانسته است. قاسمی و قدیمی (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان "احساس محرومیت نسبی و احساس بیگانگی اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی شهر زنجان" به بررسی احساس امنیت اجتماعی پرداخته و احساس امنیت را مهم تر از خود امنیت تلقی کرده است وی رسیدن به احساس عدم امنیت اجتماعی را ناشی از احساس محرومیت نسبی و احساس بیگانگی دانسته است که در صورت دست نیافتن فرد به توقعات ارزشی و احساس نابرابری نمو پیدا می کند. موحد و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان

"تاثیر جنگ تحمیلی بر شکل گیری و گسترش مناطق حاشیه نشین" حاشیه نشینی را یکی از پدیده های جغرافیایی شهرهای بزرگ و متوسط ایران دانسته و جنگ تحمیلی را در این مقوله بی تاثیر ندانسته است. عزیزاده اقدم و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان "حلقه تاثیرگذار بر ایجاد آسیب های شهری" به آسیب پذیری های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی حاشیه نشینان اشاره کرده و فقر و محرومیت را لازم و ملزوم یکدیگر و حتی در برخی موارد یکی دانسته اند.

## مبانی نظری پژوهش

### حاشیه نشینی

حاشیه نشینی یکی از چالش های مهم قرن کنونی در تمامی کشورهای جهان، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه می باشد. که پیش بینی می شود حدود ۵۰ درصد جمعیت شهری در آینده ای نه چندان دور در حاشیه زندگی کنند. به لحاظ قدمت میتوان اولین سکونتگاههای حاشیه نشین را به کشورهای توسعه یافته نسبت داد. و پس از آن در کشورهای جهان سوم این روند اتفاق افتاده است و رشد قابل توجهی داشته است. در آسیا نیز در ممتول ترین و وسیع ترین اشکال خود این پدیده ظاهر شده و نمونه بارز آن در جنوب شرقی آسیا مشهود است.

### فقر شهری و حاشیه نشینی در ایران

در حال حاضر در کشور حدود ۵ میلیون نفر شهرنشین در سکونتگاههایی که دارای خدمات شهری و کیفیت زیست نازل هستند، زندگی میکنند. این سکونتگاهها شامل نقاط حاشیه نشین و اسکان غیررسمی، و نیز محلات درون بافت های شهری اما فقیرنشین و محروم از خدمات و فضاهای شهری مناسب هستند. جریان آرام حاشیه نشینیکه با آغاز فرایند نوسازی در دوران حکومت سلسله پهلوی به وجود آمده بود، از دهه ۴۰ و متعاقب اصلاحات ارضی، در اثر شدت یافتن جریان مهاجرت از روستاها به شهرها، ضعف نسبی بنیه اقتصادی کشور و برنامه ریزی کلان اقتصادی - اجتماعی و مدیریت نادرست و کاستی های نظام برنامه ریزی شهری و مسکن شدت گرفت. برنامه ریزی مسکن چه پیش و چه پس از انقلاب، این روند را تشدید کرد. از دهه پنجاه به بعد، واگذاری زمین شهری برای احداث مسکن به تعاونی های محیط کار و آن هم کارگاه های بزرگ محدود می شد. در نتیجه امکان سکونت در شهر از دسترس حدود

۶۰ درصد نیروی کار شهری خارج شد. به این ترتیب افزایش قیمت زمین و مسکن در محدوده شهرها، فقدان توان مالی خانوارهای کم درآمد شهری و مهاجران روستایی، و امکان دسترسی به زمین های حاشیه ای با قیمت نازل و قطعات کوچک، موجب شکل گیری سکونتگاههای غیررسمی و حاشیه ای شد. (رفیعی، ۱۳۸۵: ۷۶، برنامه ریزی شهری نیز با تعیین ضوابط حداقل قطعه بندی زمین به نحوی که امکان خرید زمین را به فرودستان اقتصادی نمی داد، آنها را از محدوده شهرها به بیرون پس زد. (و هنوز هم چنین است، مطالعه حاشیه نشینی در جهان نشان می دهد که نزدیک به ۹۰ درصد از کسانی که به حاشیه نشینی روی می آورند، توان خرید زمینی با ابعاد حداقل از لحاظ ضوابط و قواعد شهری را ندارند و تقریباً در تمام کشورهای در حال توسعه قطعه بندی و ضوابط رسمی شهری درخور کم درآمدها به کار گرفته شده است. اشکال در برنامه ریزی اقتصادی ضربه دیگری بر پیکر فقرای شهری بوده است. در حالی که نظام بانکی و شهرداری ها به واحدهای کوچک وام و اعتبارات می دهند، غیررسمی بودن مسکن کم درآمدها، آنها را از استفاده از این فرصت محروم می کند. بالاخره در بعد برنامه ریزی اجتماعی، عدم دسترسی به آموزش، خدمات شهری ناکافی، آسایش اندک واحدهای مسکونی، صرف وقت طولانی برای رسیدن به محل کار، نبود تنوع اجتماعی و اقتصادی، ناسالم بودن محیط از لحاظ اجتماعی و زیست محیطی و... امکان ارتقای مهارت ها، دانش، فرهنگ و درآمد را برای آنها بسیار مشکل کرده و دور باطل فقر را برای آنها ایجاد کرده است.

از مهمترین دلایل حاشیه نشینی می توان به کمبود سرمایه افراد برای زندگی در متن شهرها اشاره کرد. آنان برای دست یابی به سرپناه که از مهمترین نیازهای اولیه بشر است به زمینهای کم ارزش روی می آورند و با کمترین استانداردها و قواعد شهرسازی سرپناهی برای زندگی خود آماده میکنند. سرپناهی که بدین شکل به دست می آید مهم ترین سرمایه تهیدستان شهری به حساب می آید و لذا حاضرند تا پای جان به حفظ آن کوشند. درک شورشهای شهری رخ داده، تنها به توجه به این امر امکان پذیر است. بدون تردید اگر دولت های جهان سوم و از جمله ایران به هر دلیلی قادر می شدند تا از ایجاد اجتماعات غیررسمی جلوگیری کنند، تجربه تلخ دهها شورش فقرا را در کارنامه خود ثبت نمی کردند.

## محرومیت

محرومیت یکی از مفاهیم پیچیده است که تعاریف و تعبیر گوناگونی برای آن از سوی محققان مختلف با توجه به هدف آنان ارائه شده و تعاریفی از آن که مورد توافق همه باشد، وجود ندارد زیرا که محرومیت مقوله‌ای کیفی، به شدت نسبی و حتی اغلب اوقات تلقی مردم از آن ذهنی است. از طرفی ارتباط نزدیک مفهوم محرومیت با مفاهیمی مانند فقر، طرد اجتماعی، بی‌عدالتی و توسعه نیافتگی سبب شده که بسیاری از محققان این مفاهیم را معادل هم به کار گیرند لذا تعریفی واحد از محرومیت امری ضروری است. اصطلاح محرومیت دلالت بر عدم وجود صفات اساسی و پسندیده مورد احترام جامعه، فقدان دارایی‌ها و نیز عدم دسترسی به فرصت‌هایی دارد که حداقل آن مورد پذیرش جامعه است. محرومیت به نیازهای برآورده نشده و مشکلات ایجاد شده به وسیله کمبود منابع و فرصت‌ها (نه فقط پول، اشاره دارد. محرومیت می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای بر تمام نارسایی‌های جاصل از شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیطی ارزیابی گردد که طبعاً منجر به پدید آمدن شرایط بجرانی برای یک ناحیه و منطقه می‌گردد. محرومیت به عنوان "وضعیت آسیب‌های اجتماعی و مادی" که بر روی فرد یا خانواده و یا یک جامعه اثر دارد تعریف می‌شود (Abu-Kharmeh, S., Abu-Al Sondos, 2009:8)

## انواع محرومیت

محرومیت به معنای فقدان هر نوع فرصت و عدم دسترسی به منابع است، محرومیت دارای ابعاد چندگانه و متعدد است:

**الف- محرومیت اقتصادی:** آشکارترین بعد که در سطح درآمد عمل می‌کند، محرومیت از دسترسی به غذا، سرپناه، خدمات، آموزش و سلامت را شامل می‌شود. همچنین بر محرومیت از گردش اطلاعات که نابرابری فرصت‌ها را تشدید می‌کند دلالت دارد این ابعاد در مناطقی که به لحاظ جغرافیایی هم دارای محدودیت هستند به شدت تقویت می‌شود. و یا به بیان دیگر عدم دسترسی به درآمد لازم برای دستیابی به حداقل زندگی.

**ب- محرومیت سیاسی و امنیتی:** به معنای عدم دسترسی و یا دسترسی دشوار به نهادهای سیاسی و عدم مشارکت در امور سیاسی حکومت است. در انتخابات غیر دموکراتیک یا حکومت‌های فاقد مشروعیت، قدرت معمولاً توسط گروه‌های ذی‌نفع یا گروه‌های قومی روی کار آورده می‌شود و اکثریت اعضای

جامعه از فرآیند سیاسی محروم هستند. و یا به بیانی دیگر عدم امکان حداقل مشارکت در تعیین موقعیت و تصمیم‌گیری های سیاسی در یک محدوده معین جغرافیایی یا ملی (نصیری و اعظمی، ۱۳۸۵: ۵۰)

**ج: محرومیت اجتماعی و فرهنگی:** به معنای عدم برخورداری از استانداردهای زندگی و کیفیت زندگی مورد قبول جامعه است. محرومیت اجتماعی دو بعد اصلی را آشکار می سازد. اولین بعد مربوط به سرمایه اجتماعی است و ناشی از فقدان عضویت در گروه های اجتماعی به دلیل مهاجرت، بیماری و... است. دومین بعد تبعیض بر مبنای نظام های قواعد و هنجارهاست. در حقیقت این نوع تبعیض درجه بندی میان افراد به حاشیه طرد شده و نزدیک به مرکز را نشان می دهد. به این ترتیب محرومیت بر حسب موقعیت متفاوت بوده و بر اساس آن میزان دسترسی به منابع مشروط می شود. محرومیت اجتماعی به فقدان نسبی پاداش های اجتماعی نظیر حیثیت، قدرت، منزلت اجتماعی و فرصت های مشارکت در فعالیت ها و سازمان های مختلف و عدم برخورداری و دسترسی به منابع و خدمات در دسترس دیگران و به طور کل نابرابری های اجتماعی اشاره دارد (Reimer, 2002: 2)

**د: محرومیت کالبدی و محیطی:** این بعد از محرومیت به محیط فیزیکی و زیست افراد اشاره دارد و شامل امکانات و خدمات زیربنایی و کیفیت و خدمات مسکن و محیط زیست است.

**نظریه محرومیت نسبی:** محرومیت نسبی عبارت است از تفاوت درک شده بین انتظاراتی ارزشی افراد (وسایل و شرایط زندگی که افراد معتقدند به راستی حق آن هاست و توانایی ارزشی آن ها (وسایل و شرایطی که افراد فکر می کنند استعداد به دست آوردن و نگهداری آن را دارند). بدین ترتیب محرومیت نسبی می تواند سه نوع متفاوت داشته باشد:

**الف - محرومیت نزولی:** که در آن انتظارات افراد ثابت اما توانایی های آنان به طور مداوم کاهش می یابد.

**ب - محرومیت ناشی از بلند پروازی:** یعنی در حالی که توانایی های افراد ثابت است انتظاراتشان افزایش پیدا می کند.

**ج - محرومیت صعودی:** که پس از یک دوره رشد همزمان انتظارات و توانایی ها، توانایی ها از رشد صعودی باز ایستاده یا کاهش شدید می یابد و انتظارات هم چنان حالت صعودی دارد.

هر چه محرومیت نسبی ایجاد شده بر اساس تفاوت میان انتظارات و توانایی هاشدیدتر باشد، آنگاه

نارضایتی شدیدتر و احتمال و شدت خشم هم بیشتر خواهد بود (شریفی، ۱۳۹۱). آنتونی گیدنز در اثر

معروف خود، جامعه شناسی محرومیت نسبی را چنین تعریف می کند: اختلاف بین سطحی از زندگی که

فرد در آن به سر می برد و آن چه فکر می کند باید در عمل از آن برخوردار باشد. به عبارت دیگر اختلاف بین سطح زندگی موجود فرد با سطح زندگی مطلوب او که معمولاً با سطح زندگی موجود فردی دیگر مقایسه می کنند (قدیمی و قاسمی، ۱۳۹۱).

**احساس محرومیت:** در حقیقت این احساس از اختلاف بین آن چه فرد می خواهد و انتظار دارد با آن چه که به دست می آورد و هم چنین در مقایسه با دیگرانی که شرایط خود را با آن ها مقایسه می کند به دست می آید و ممکن است شخص دچار حالتی از احساس محرومیت شود. مقایسه عبارت است از فرآیندی ذهنی که طی آن فرد به ارزیابی و تطبیق بین شرایط خود با شرایط و وضعیتی که گروه و یا فرد مورد نظر وی که از آن برخوردار است می پردازد (جریمی و صفری شمالی: ۱۳۸۹، ۵۱-۵۰). **احساس محرومیت نسبی:** به صورت احساس بازیگران بر وجود داشتن اختلافات میان انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط مشخص می شود. این متغیر از نظریه های بوزان و ویور اخذ شده است، از نظر این اندیشمندان، قرار گرفتن افراد در معرض منافع برابر، مخاطرات مساوی، عدالت اجتماعی و... عاملی برای برقراری نظم و امنیت به شمار می رود. شاخص محرومیت نسبی از ترکیب سه سوال که در قالب طیف لیکرت بوده و در سطح مقیاس فاصله ای سنجیده می شود، ساخته شده است. این معرف ها توسط تدرابرت گر مطرح شده و بیش تر با حوزه اقتصادی زندگی افراد مرتبط است شامل: مقایسه (برابری یا نابرابری)، امکانات رفاهی خانواده، منطقه محل سکونت و وضعیت اقتصادی فرد با دیگران می شوند (نبوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۵).

**شاخص های محرومیت:** شاخص ها همواره به عنوان ابزاری برای اتخاذ سیاست مورد استفاده قرار می گیرند شاخص های خوب به آسانی قابل فهم و نسبت به تغییرات حساس هستند. شاخص ها باید از نظر علمی و آماری معتبر بوده و بتوان آن ها را به صورت اطلاعات کمی ارائه نمود (Yu et al 2010:1220)، تعیین وزن شاخص های مختلف، امری مهم و اساسی در تصمیم گیری های چند شاخصه می باشد که در این راستا روش های مختلفی ارائه شده است (Kain & Soderberg, 2008:21) نظریه محرومیت نسبی دو شاخص ویژه دارد: شاخص شناختی (ادراکی، و عاطفی) (احساسی، درک این که انتظار یا توقعی، برآورده نشده و نقض شده است، شاخص شناختی یا ادراکی از محرومیت را تشکیل می دهد. یکی از فرضیه های این نظریه این است که واکنش های مردم به تصورات ذهنی آنان بستگی دارد و نه موقعیت



عینی در مقابل حس بی انصافی، رنجش و نارضایتی ناشی از این انتظار به جنبه عاطفی یا احساسی محرومیت نسبی شکل می دهد. محرومیت نسبی عاطفی نتیجه فرآیند مقایسه است و به عقیده مرتون، حالت روانی و احساس کمبود است که برای شخص در رابطه با گروه یا فردی به وجود می آید که الگوی مرجع اوست. البته همیشه هم این گونه نیست که شخصی با احساس محرومیت نسبی، به طور عینی از داشتن چیز خاصی محروم باشد، بلکه به معنای احساس محرومیتی است که در مقایسه با وضعیت موجود فرد یا گروه دیگری بروز می کند این مقایسه با گروه مرجع ضروری است. گروه مرجع صرفاً یک گروه نیست بلکه ممکن است یک فرد یا حتی مفهومی ذهنی باشد (راغفر، ۱۳۸۶: ۲۱-۱۳)

### ویژگی های اجتماعی و فرهنگی و کالبدی شهرک شهید بهشتی

منشا اجتماعی آپارتمان های واقع در شهرک شهید بهشتی در سال های قبل از جنگ تحمیلی برای کارمندان بانک رفاه کارگران احداث گردیده بود. با شروع جنگ تحمیلی، و آواره شدن هموطنان جنوبی، دولت تصمیم می گیرد تا شهرک مورد نظر را جهت اسکان مهاجرین اختصاص دهد. به این ترتیب در سال ۱۳۶۰ بنیاد مهاجرین آمادگی خود را برای پذیرش جنگ زده های استان خوزستان اعلام نمود و مهاجرین جنگی از خوزستان به شهرک مذکور منتقل شدند. طبق بررسی به عمل آمده در این پژوهش بیش از ۹۰ درصد ساکنان شهرک مهاجر جنگی و اکثراً عرب و بیشتر آنان اهل شهرهای خرمشهر و آبادان هستند. بعد از پایان جنگ نیز ساکنان مهاجر شهرک هم چنان در این شهرک باقی مانده اند اکثر آنان علت عدم بازگشت را به شرح ذیل بیان می کنند:

- وجود بارگاه مطهر رضوی
- محرومیت مناطق جنگ زده در جنوب در موطن اصلی
- نداشتن مسکن در موطن اصلی
- نداشتن کار و شغل مناسب در موطن اصلی
- ایجاد حس تعلق به مشهد

شهرک شهید بهشتی دارای ۴۲ بلوک است و هر بلوک دارای ۵ طبقه و هر طبقه شامل ۹ آپارتمان است. آپارتمان ها با بالکن هایی که به وسیله پتو یا حصیر پوشیده شده است نمای نامناسبی پیدا کرده است.

از این بالکن ها به عنوان انبار و محلی برای شست و شوی لباس، مواد غذایی و... استفاده می شود و آب های آلوده از بالکن ها به پایین سرازیر می شود. راه پله های بیشتر بلوک ها، کثیف است و زباله ها در راه پله ها و اطراف آپارتمان ها و همچنین فضای اطراف آپارتمان ها ریخته شده است. این شهرک تا چندی پیش، به وسیله دیوارهایی که روی آن سیم خاردار می باشد محصور است.

### یافته های پژوهش

هر چه بتوان سیمای واضح تری از جامعه آماری پیدا نمود، امکان انتخاب دقیق تر نمونه و در نتیجه دستیابی به اطلاعات واقع بینانه افزایش خواهد یافت، لذا در پژوهش حاضر با توجه به قلمرو زمانی و مکانی انجام پژوهش، در ابتدا به تعیین چارچوب دقیق جامعه آماری پرداخته و سپس روش و نحوه تامین نمونه آماری دنبال می شود. در پژوهش حاضر جامعه آماری عبارت از، کلیه ساکنین شهرک شهید بهشتی مشهد شامل عرب زبانان و دیگران می باشد. با توجه به ویژگی های جامعه آماری، نمونه گیری از نوع تصادفی ساده، با توجه به دسترس بودن افراد جامعه می باشد. برای حجم نمونه نیز تعداد ۳۸۶ پرسش نامه از طریق فرمول کوکران در جامعه مورد بررسی کامل گردید. دو معیار عمده برای آزمون صحت و خوب بودن پرسش ها، روایی و پایایی است. به طور کلی روایی و پایایی، دقت علمی کاربردی در بررسی پژوهش را تصدیق و تایید می کند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳)

### روش های آماری (مدل آزمون فرضیه)

تجزیه تحلیل داده ها، به معنی طبقه بندی، تنظیم، پردازش و خلاصه کردن داده ها برای یافتن پاسخ برای فرضیه های تحقیق است. هدف از تحلیل، تقلیل داده ها به شکل قابل فهم و قابل تفسیر است. به نحوی که بتوان روابط متغیرهای گوناگون مرتبط با مساله پژوهش را مورد مطالعه قرار داد. بدین منظور در این پژوهش، جهت توصیف داده ها و مشاهدات از شیوه های توصیف آماری از قبیل جداول توزیع فراوانی، نمودارهای توصیفی و شاخص های مرکزی و پراکندگی بهره گیری می شود. ابتدا داده های جمع آوری شده، به وسیله پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و فراوانی های مربوط به سوالات عمومی پرسشنامه و سپس فراوانی های مربوط به سوالات اختصاصی پرسشنامه (شامل فرضیه های تحقیق، مورد تجزیه و تحلیل

قرار می‌گیرد. به طوریکه، ابتدا فراوانی‌ها و سپس فراوانی تجمعی آن‌ها محاسبه می‌شود و همچنین نمودار آن‌ها بر اساس درصد و تعداد رسم می‌شود. در تحقیق حاضر جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها با کمک نرم افزار Spss، از آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن داده‌ها و آلفای کرانباخ برای بررسی پایایی مقیاس‌ها و با نرم افزار کاربردی AMOS- لیزرل مدل ساختاری برای بررسی میزان تاثیر بین متغیرها استفاده می‌شود.

- آزمون نیکویی برازش کلموگراف اسمیرنوف: از آزمون نیکویی برازش کلموگراف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن و بهنجاری توزیع متغیرها، استفاده می‌شود.
  - بررسی پایایی مقیاس‌ها: وقتی پرسشنامه یا مقیاس‌هایی را برای استفاده در پژوهش استفاده می‌شود دانستن پایایی مقیاس‌ها ضروری است یکی از رایجترین شاخص‌های همسانی درونی ضریب آلفای کرانباخ است که در حالت ایده آل بایستی بالاتر از ۰.۷ باشد.
  - مدل ساختاری: به منظور بررسی تاثیر بین متغیرهای آشکار و پنهان میتوان از مدل ساختاری استفاده کرد، این روش یک مدل مفهومی به همراه ضرایب مدل برازش داده شده و بر اساس ضرایب می‌توان میزان تاثیر هر یک از متغیرها را بدست آورد.
  - مدل همبستگی: به منظور بررسی شدت رابطه بین دو متغیر پیوسته از همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. این روش شاخصی از جهت مثبت و منفی و شدت رابطه را نشان میدهد.
- در این بخش ابتدا از طریق آزمون کولموگوروف- اسمیرنوف نرمال بودن متغیرهای وابسته را بررسی کرده و سپس پایایی سوالات پرسشنامه را گرفته و در آخر به آزمون مدلها پرداخته ایم.

جدول ۱: ضریب آلفای کرانباخ محرومیت و تعداد سوالات پرسشنامه

جدول ۱: ضریب آلفای کرانباخ محرومیت و تعداد سوالات پرسشنامه			
تعداد سوالات	ضریب آلفای کرانباخ بر اساس سوالات استاندارد شده	ضریب آلفای کرانباخ	
۴۵	۰.۸۸۷	۰.۸۵	محرومیت
۳۸	۰.۹۴۱	۰.۸۵	احساس محرومیت

همبستگی پیرسون در متغیرهای تحقیق: بررسی شدت رابطه بین دو متغیر پیوسته از همبستگی پیرسون استفاده می شود. این روش شاخصی از جهت مثبت و منفی و شدت رابطه را نشان می دهد. در همبستگی پیرسون رابطه بین ۲ یا چند متغیر را بررسی مینماییم. عدد به دست آمده در این معادله بین ۱ و منفی یک خواهد بود که شدت رابطه بین متغیرها را نشان می دهد. در حقیقت هرچه عدد همبستگی به ۱ نزدیکتر باشد رابطه ای قوی تر و مستقیم بین متغیرها برقرار است و اگر این عدد به ۱- نزدیک شود رابطه ای باز هم قوی اما معکوس خواهد بود.

جدول ۲: رابطه متغیرها با محرومیت و احساس محرومیت

جدول ۲: رابطه متغیرها با محرومیت و احساس محرومیت			
احساس محرومیت	محرومیت		
۱	۱	همبستگی پیرسون	محرومیت
۰	۰	سطح معناداری	
۳۸۶	۳۸۶	تعداد	
۰.۹۹۱	۰.۸۲۸	همبستگی پیرسون	امنیتی
۰	۰	سطح معناداری	
۳۸۶	۳۸۶	تعداد	
۰.۹۹۱	۰.۸۴۵	همبستگی پیرسون	اقتصادی
۰	۰	سطح معناداری	
۳۸۶	۳۸۶	تعداد	
۰.۳۸۰	۰.۷۴۰	همبستگی پیرسون	کالبدی عملکردی
۰	۰	سطح معناداری	
۳۸۶	۳۸۶	تعداد	
۰.۹۸۷	۰.۹۴۰	همبستگی پیرسون	فرهنگی اجتماعی
۰	۰	سطح معناداری	
۳۸۶	۳۸۶	تعداد	

با مشاهده جداول فوق در می یابیم که رابطه بین متغیرها همگی به ۱ نزدیک می باشد. و محرومیت منطقه مورد مطالعه با متغیرهای مستقل دارای همبستگی بالا و معناداری می باشد.

## مدل ساختاری

به منظور استفاده از روش آماری مناسبی ابتدا پیش فرض های ورود به نوع آزمون مورد بررسی قرار گرفت، چون متغیر های تحقیق از نوع فاصله ای بوده به این منظور از طریق آزمون اسمیرنوف کولموگروف نرمال بودن توزیع داده ها بررسی شد. پس از اطمینان از نرمال بودن توزیع داده ها، از آزمون مدل ساختاری استفاده شده است. سطح معنی داری برای مقایسه های آماری در سطح  $(p < 0/05)$  و دو سویه در نظر گرفته می شود.

جدول ۳: بررسی بارعاملی و آماره متغیرهای محرومیت

جدول ۳: بررسی بارعاملی و آماره متغیرهای محرومیت				
آماره T	خطای استاندارد -SE	بار عاملی (وزن نهایی)	تغیر های وابسته و مستقل	
	-	۱	اقتصادی	احساس محرومیت
۲۰.۳۶۷	۰.۰۳۵	۰.۷۱۱	کابردی عملکردی	احساس محرومیت
۱۱.۳۰۴	۰.۰۵۵	۰.۶۲۱	امنیتی	احساس محرومیت
۱۹.۹۰۱	۰.۰۶۳	۱.۲۶۱	فرهنگی اجتماعی	احساس محرومیت

جدول ۴: بررسی بارعاملی و آماره متغیرهای احساس محرومیت

جدول ۴: بررسی بارعاملی و آماره متغیرهای احساس محرومیت				
آماره T	خطای استاندارد -SE	بار عاملی (وزن نهایی)	متغیر های وابسته و مستقل	
	-	۱	اقتصادی	محرومیت
۸.۷۸۴	۰.۰۲۴	۰.۲۰۹	کابردی عملکردی	محرومیت
۱۳۲.۱۸۴	۰.۰۰۹	۱.۱۷۸	امنیتی	محرومیت
۷۱۵۴۲	۰.۰۳۱	۲.۲۲۲	فرهنگی اجتماعی	محرومیت

با نتایجی که از مدل ساختاری بدست آمده است مشخص می گردد بیشترین تاثیر را در محرومیت بعد فرهنگی اجتماعی با میانگین ۲/۲۲ و بیشترین تاثیر را در احساس محرومیت نیز بعد فرهنگی اجتماعی داشته است اما آنچه که در این به عنوان عامل تاثیر گذار در محرومیت و احساس محرومیت خودنمایی عامل اقتصادی است. عامل اقتصادی با توجه به اینکه تعداد افرادی که از شهرک شهید بهشتی به عنوان مترجم در شهرمشهد مشغول به کار هستند زیاد می باشد به عنوان یک عامل تاثیر گذار در محرومیت

خودنمایی نکرده است ولی در احساس محرومیت جزو عناصر تاثیر گذار بوده است و مردم از نظر اقتصادی واقعاً محرومیت را حس می نمایند.

### نتیجه گیری

جهت اینکه به ارتباط بین حاشیه نشینی و احساس محرومیت پی ببریم از چهار شاخص اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، و امنیتی استفاده و در نهایت به تاثیر این چهار عامل در محرومیت و احساس محرومیت و همچنین ارتباط بین آنها نسبت به همین موضوع پرداختیم. نتایجی که از مدل همبستگی پیرسون در مورد ارتباط شاخص های فوق در خصوص محرومیت و احساس محرومیت به دست آمد مشخص گردید که بین مولفه های زندگی که در شهرک شهید بهشتی و محرومیت و احساس محرومیت است ارتباطی مستقیم و بسیار بالایی وجود دارد به نحوی که عامل اقتصادی با ۹۹٪ به عنوان یک مولفه ای که در همبستگی کامل با محرومیت و احساس محرومیت است خود را نشان داد. ارتباط سایر شاخص ها نیز با یکدیگر اعداد بالا و نزدیک به یک بود که کلاً از ارتباط مستقیم و زیاد عوامل فوق در محرومیت و احساس محرومیت افراد ساکن در شهرک شهید بهشتی دارد.

اما در مدل ساختاری به تاثیر هر یک از شاخص ها در محرومیت و احساس محرومیت پرداختیم و مشخص شد که تاثیر عوامل فرهنگی اجتماعی در هر دو حالت به عنوان تاثیر گذارترین مولفه در محرومیت و احساس محرومیت افراد ساکن در شهرک شهید بهشتی می باشد آنچه در مدل ساختاری به عنوان یک پارامتر با معنی داری کم در محرومیت خودنمایی می کند عاقل کالبدی است که در آن هم می تواند به دلیل داشتن منازلی با حداقل امکانات باشد که در ابتدای جنگ تحمیلی این افراد در آنها ساکن شده اند به لحاظ اسکان در وضعیت آماری مناسب است. البته شاخص کالبدی در احساس محرومیت وزنی بالاتر از عدد ۰/۵ گرفته است که نشان دهنده تاثیرگذاری زیاد از نظر مدل ساختاری می باشد.

## منابع

- ۱- ابراهیم زاده، عیسی، ۱۳۸۳، مهاجرت و شهرنشینی، علل و پیامدها، مجله سیاسی اقتصادی، شماره ۲۳۴-۲۳۳.
- ۲- ادیسی، افسانه و زیبا حاتم وند، ۱۳۹۱، بررسی مکانیزم تاثیرگذاری اشتغال بر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال ششم، شماره ۳.
- ۳- افراخته، حسن و اسماعیل آقایی زاده، ۱۳۹۰، مهاجرت روستایی در ایران و استیلای عوامل رکودی نمونه موردی بندرانزلی، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۳.
- ۴- امام جمعه زاده، سید جواد و دیگران، ۱۳۹۰، بررسی رابطه میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان، دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، سال هشتم، شماره ۱.
- ۵- جریبی، جعفر و رضا صفری شالی، ۱۳۸۹، بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل موثر بر آن مطالعه موردی استان مرکزی، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۳.
- ۶- درزی کلائی، محمدضا، ۱۳۹۰، حرکت های انقلابی در بحرین و نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر، خاورمیانه، سال هجدهم، شماره ۳.
- ۷- دفتر آمار و اطلاعات و GIS استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۰، سالنامه آماری استان خراسان رضوی .
- ۸- دوستی، شمسیه و دیگران، ۱۳۸۸، بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها طی سال های ۱۳۸۷-۱۳۵۹، مجله برزگر، شماره ۱۰۲۸.
- ۹- راغفر، حسین، ۱۳۸۶، تله های فقر، محرومیت نسبی و عدالت اجتماعی، اقتصاد و جامعه، سال سوم، شماره ۱۲.
- ۱۰- رفیعی، مینو و دیگران ( ۱۳۸۵)، طرح جامع مسکن، سند راهبردی- اجرایی، وزارت مسکن و شهرسازی
- ۱۱- شریفی ادیب، ۱۳۹۱، پایان نامه کارشناسی بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با جرم مطالعه موردی: سرپل ذهاب، دانشکده علوم اجتماعی گرایش پژوهش گری، دانشگاه پیام نور اسلام آباد غرب.
- ۱۲- شهرداری مشهد، طرح پیشگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز و ساماندهی اراضی حاشیه شهر، ۱۳۸۶
- ۱۳- علیزاده اقدم، محمدباقر و دیگران، ۱۳۹۴، حلقه تاثیرگذار بر ایجاد آسیب های شهری، روزنامه جهان صنعت، صفحه جامعه .
- ۱۴- قدیمی، مهدی و حامد قاسمی، ۱۳۹۱، بررسی تاثیر احساس محرومیت نسبی و احساس بیگانگی اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه زنجان، فصلنامه دانش انتظامی زنجان، سال اول، شماره ۴.
- ۱۵- منصوری، حسین، ۱۳۸۹، پایان نامه کارشناسی ارشد تحلیل ویژگی های اجتماعی-اقتصادی و کیفیت سکونتگاهی حاشیه نشینان در راستای توانمند سازی مطالعه موردی: ناحیه سه از منطقه سه شهر مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۶- موحد، علی و دیگران، ۱۳۹۳، تاثیر جنگ تحمیلی بر شکل گیری و گسترش مناطق حاشیه نشین مطالعه موردی: منطقه ملاحیه اهواز، مجله آمایش محیط، دوره هفتم، شماره ۲۴.

۱۷- نبوی، سید عبدالحسین و دیگران، ۱۳۸۹، بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر احساس امنیت اجتماعی، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره ۴۰.

۱۸- نصیری، معصومه و هادی اعظمی، ۱۳۸۵، نابرابری های شهری تهدیدی برای امنیت اجتماعی تهران رویکردی در جغرافیای سیاسی، فصلنامه ژئوپلتیک، سال دوم، شماره ۱.

19-Kain, J. H. and Söderberg, H, 2008, Management of complex knowledge in planning for sustainable development: The use of multicriteria decision aids, Environmental Impact Assessment Review, No. 28.

20- Reimer . B , 2002, Social Exclusionina Comparative context ,No 6.

21- Yu L., Hou X., Gao M. and Shi P, 2010, Assessment of coastal zone sustainable development: A case study of Yantai, China, Ecological Indicators, No. 10